

کودتای ثور

(بخش هشتم)

تاکتیک دوگانه روسها در کودتای ثور :

تذکر این بخش را در رابطه با کودتای ثور ، خالی از مفاد ندانسته و آنرا جهت آگاهی و تحقیق بیشتر پژوهشگران، در اینجا مینگارم:

از آغاز عمل کودتا الی به ثمر رسیدن آن (از حوالی ساعت ده قبل از ظهر هفتم ثور تا ساعت ده قبل از ظهر فردای آن)، کودتاچیان و پلان گزاران اصلی آن (روسها) با در نظر داشت احتمال شکست کودتا، یک تعداد از نخبه ترین افراد سازمانی را چنان از انتظار دور نگهداشته بودند که ، به نظر نگارنده، تشخیص آنها حتی برای دستگاه استخبارات داوود نیز مشکل بود.

این افراد از ان قماش سازمانی هایی انتخاب شده بودند که ، باید بعد از شکست احتمالی کودتا، در آینده قادر باشند تا به سازماندهی دو باره قوتهای زیر چتر روس و تطبیق پلانهای بعدی آنها بپردازند.

همچنان روسها، پای یکعه از غیر سازمانی ها را نیز در کودتا کشانیدند (بدون آنکه هیچگونه رابطه یا مسوولیتی در قبال حزب و کودتا داشته باشند).

البته در اینصورت، اگر کودتا به ناکامی می انجامید، نه تنها در قدم نخست آنها از بین میرفتند، بلکه دستگاه دولتی داوود را در رابطه با مداخله روسها در کودتا، بسوی محاسبات غلط می کشانید.

دخیل ساختن پای چنین افرادی، به هر شکلی که بررسی گردد، عواملی از قبیل رفاقت های شخصی (1) ، روابط منطقه یی (2) و نهایتاً، شعور پایین اجتماعی و سیاسی (3) را به نمایش میگذارد ، که نه تنها در کودتا، بلکه تا امروز نیز هزاران هموطن ما را بدون آنکه خود خواسته باشند، هیزم آتش که بیگانه گان افروخته اند ، ساخته ، همین موضوع است که جان ملت ما را میسوزاند.

بخاطر تأیید گفتار بالا، اینک دو نمونه از این افراد را که در جریان عملیات کودتا نقش های اساسی داشتند، مینگارم تا در آینده، محققان محترم موضوع را بیشتر بشکافند و از ان ، حقایق بیشتر را به نفع ملت، مملکت و نظام آینده در یابند:

دوچهره از مهره های اصلی روس:

از مهره های اصلی و مهم پولیس مخفی نظامی شوروی در افغانستان که بعداً نسبت اعمال و اقتدار شان در قوای هوایی افشا گردیدند، یکی جگرن محمد سعید از ولایت غزنی است که قبلاً بحیث میخانیک در غند ترانسپورت هوایی میدان خواجه رواش ایفای وظیفه میکرد و قبل از کودتا، در میان هم سلکانش به یکی از چهره های مذهبی سنتی، متعصب و بد بین به تمدن و ترقی معروف بود.

چنین چهره، امکان نداشت سوظن استخبارات داوود و یا هیچ حلقه دیگر را بر انگیزد تا او را منحیث یکی از پیروان روس زیر نظر داشته باشند.

موصوف در جریان کودتا مانند افراد عادی در هیچ عملی شرکت نکرد، ولی دقیقاً جریان را زیر نظر داشت.

وقتی اسدالله سروری لیست تعیینات را درحوالی ساعت پنج بعد از ظهر هفتم ثور به میدان هوایی خواجه رواش آورد، از همان لحظه، نام او بحیث آمرمیدان خواجه رواش در آن ثبت بود.

وقتی محمد سعید، بعد از یکی دو روز، بعد از کودتا در طعام خانه غند، امور صرف طعام و توزیع آنرا معاینه میکرد، افراد سازمانی (کودتا چیان) با یکدیگر میگفتند که " این چه کاره است ؟ " ، بعد از گذشت چند روزی معلوم شد که همین شخص مرموز و ظاهراً نا شناخته و " متعصب"، از چه قدرتی در حزب برخوردار و تا کدام حد قسی القلب و دسیسه ساز میباشد .

او در برخورد با عناصر ضد استعمار روس، جنون آمیز برخورد میکرد و حتی با دست خود آنها را خفه کرده از بین میبرد. (ازجانیات وی در فصول آینده بحث خواهیم نمود)

چهره دومی که میتوان منحیث نمونه بالای وی مکث کرد، دگرمن عتیق الله آمریژند قوای هوایی از ولایت لغمان بود.

موصوف نیز در عملیات کودتا شرکت نکرده و مانند محمد سعید نام، در جمله افراد عادی، تماشاگر دقیق ، اوضاع را زیر نظر داشت و هیچکس گمان نمیکرد که موصوف با حزب یا سازمان های روسی سر و سری داشته باشد.

در حصه اعتبار حزبی وی، همینقدر باید گفت که بمجرد کشته شدن داوود خان و برادرش نعیم خان ، عتیق الله بحیث ناظر و مفتش اسناد سرّی داخل ارگ جمهوری و بررسی اموال منقول و غیر منقول داوود خان و برادرش مقرر گردید .

نامبرده بعداً رییس پیژند اردو و رییس دفاع ملکی در رژیم کودتا تعیین شد.

اگر خط السیر کودتای ثور تا امروز رده گیری گردد، در می یابیم که روسها از اوایل تا حال، هم در ساحة ملکی و هم در بخش نظامی، دست به چنین مانورهایی زده و در هرزمان با تاکتیک های خاص، افراد و دسته های مخفی خود را روی صحنه کشیده و مانند مهره های شطرنج روی تخته سیاست علیه ملت ما و جهان مشغول بازی بوده اند.

بهر حال، می پردازیم به دو نمونه از افرادی که نا آگاهانه در خدمت کودتا قرار گرفتند و بعد از برپایی بساط وابسته گان روس، بدست همانها، کشته هم شدند.

: اولین کسی را که منحصیث نمونه در این بخش میتوان عنوان کرد، "جگرن سید محمد وردک" بود. موصوف در لحظاتی که قرار گاه قوای هوایی زیر ضربات آتش تانکها قرار داشت و از در و دیوار آن خشت و ریگ می بارید، قادر ریس ارکان قوای هوایی، رو به طرف او کرده دستورداد " سید محمد ! برو قوماندان مدافعه هستی! "

وی درحالی که سرش را پایین کرده بود تا خشت و گل به سر و رویش اصابت نکند و با دو دست کمرش را محکم گرفته ، بطرف دفتر قرارگاه رفت. (موصوف تازه از بستر مریضی برخاسته و هنوز کمرش داخل پلاستر بود)

بلی ! سیدمحمد خان در چنین لحظه و با چنین حالتی داخل قرار گاه شد و از همان هنگام تا چهار روز دیگر در رأس قوای هوایی و مدافعه هوایی قرار داشت .

وی بعد از چهار روز (استقرار کامل کودتا چیان) از قوماندانی هوایی و مدافعه هوایی سبکدوش ، بحیث رییس کشف وزارت دفاع مقرر و اما .. بعد از مدت کوتاهی گرفتار و سر به نیست گردید.

به نظر نگارنده، اگر کودتا به شکست مواجه میشد، اولین کسی که بیشتر ازقادر نزد رژیم داوود مجرم شناخته میشد، شخص جگرن سید محمد خان بود، زیرا نامبرده در اثنای کودتا، قطعات هوایی و مدافعه هوایی را علیه داوود (ولو نا خود آگاه)، قومانده میداد.

بهمین ترتیب، از پیلوتانیکه بیشترین عملیات محاربوی را بالای ارگ ریاست جمهوری انجام دادند، یکی هم جگرن و هاب خان مشهور به (ماما و هاب) بود که یکی از پیلوت های کلاس اول در قطعه هوایی بگرام محسوب میشد. اینکه نامبرده به کدام انگیزه و به چه ترتیب داخل این عملیات گردید به نگارنده معلوم نیست، اما آنچه مبرهن است اینست که موصوف مساوی با جگرن غوث الدین پکتیاوال مشهور به (غوث الدین گاکارین) که یکی از افراد مهم " حزب دموکراتیک .. " پیرو روس بود، بالای ارگ جمهوری پرواز و بمبارد نمود.

موصوف هم بعد از جابجایی پیروان خط روس به کرسی های قدرت، به سرنوشت جگرن سید محمد دچار و سر به نیست گردید.

قبل از اینکه آخرین پاراگراف این بخش را خدمت خواننده گان گرامی تقدیم کنم، میخواهم بگویم که نمونه هایی را که در بالا ذکر کردم، میشود عین آنرا در تمامی قطعات قوای مرکز و حتی سر تاسر اردو ، در اثنای کودتا ی ثور مشاهده کرد و بالای آن مکث نمود.

در قسمت پایانی این بخش، یکی از خاطرات خویش را که با موضوع مورد بحث نزدیکی دارد، میگارم :

حوالی ساعت هشت صبح هفتم ثور در حالیکه تازه قطعات گارد ریاست جمهوری تسلیم وصدای شلیک گلوله و غرش طیارات آرام شده بود، همراه با " تورن نصرت میر" (فعلا جنرال در اردوی فعلی) که ذکرش در بخش های قبلی رفت، نزدیک چهار راهی پشتونستان،

مقابل دروازه شرقی ارگ با یکی از تانکیست هایی که از زمان لیسه عسکری معرفت داشتیم، رو برو شدیم.

موصوف، در حالیکه سر و ریشش از دود و آتش تانک سیاه شده بود و ریش نا تراشیده اش آنرا بیشتر سیاه مینمود و چشمانش شاهد بی خوابی شب و حشتناک گذشته بود .. تا نظرش بما افتاد از تانک پیاده شده بدون اینکه سلام علیک بگوید، پرسید: " چی گپ است؟! " ، نصرت میر خان که طبیعتاً شخص بذله گو بود، در حالیکه میخندید، با لهجه و طنداران پنجشیری گفت : " خانیت خراب بچه گور، شب تا به صبح فیر و خرابی کدی و حالی از ما میپرسی که چی گپ اس. "

بلی ! این ، دیگر حقیقت بود که تانکیست غیر سازمانی در کودتا، با وصف آنکه تا صبح به نفع پیروان روس جنگیده بود و چندین هم مسلک و همکار و واسطه محاربوی پیش چشمش از بین رفته بودند، باز هم نمیدانست که چی واقع شده است . زیرا او، زمانیکه از قطعه تحت قوماندۀ مستقیم "اسلم وطنجار" و به بهانه حفظ امنیت شهر خارج شده و حینکه زد و خورد شروع کردید، او داخل تانک بوده و ارتباطش با همه جا قطع و صرف دستور قوماندان خود (وطنجار) را آنهم از راه مخابره می شنیدو بس.

پیروان روس با دسیسه قبلاً طرح شده خود، یکعهه افراد نا آگاه را بدین گونه، گوشت دهن توپ ساخته و بدین وسیله، صد ها هموطن ما را فدای نوکرمنشی های خویش نمودند.

اگر تنها از تانک ها و وسایط محاربوی بی که در اطراف ارگ طعمه حریق شدند و تقریباً همه شهریان کابل ازان واقف اند، چنین حساب کنیم که در هر یک از هفده عراده ماشین محاربوی و چند زنجیر تانک نا بود شده، حد اقل سه نفر بحیث مرتبات آن وجود داشته اند،(داریور ، نشان زن و قوماندان) حد اقل جمعاً پنجاه و یکنفر در زد و خورد اطراف ارگ به کاربن مبدل شدند؛ مگر بعداً دیده شد که صرف از یکنفر سازمانی کشته شده بنام جکتورن محمد عمر بنام " عمرشهید" نام بردند و مکتب نادریه را بنام او مسمی ساختند .

این نکته میرساند که متباقی پنجاه نفر کشته شده، حاصل دسیسه کودتاجیان و رهبران خارجی آنها بودند که تا حال حتی از گرفتن نام آنها خود داری شده است .

بدین ترتیب، روسها با تاکتیک های دوگانه خود در کودتا، اولاً یک عده از قوتهای خود را دور از انظار نگهداشتند تا در آینده اگر لازم افتد، آنان را وارد میدان سازند و از سویی، یک عده دیگر را که هیچگونه رابطه به آنها نداشتند، شریک جنایت خود کرده و بعد از گرفتن قدرت، با آنها نیز تصفیه حساب نمودند .

عبرت گیرید ای اهل بصیرت !!

حواشی :

(1) - قرار معلوم، مرحوم سید محمد جگرن از ولایت وردک زمانی همراه با قادر در هندوستان در یک شفاخانه بستری بوده و طرح رفاقت شخصی آنها از همانجا آغاز میگردد.

گذشته از آن سید محمد خان از نظر شخصیتی در بین همقطاران و هم مسلکان ، شخصی مورد احترام و قابل اعتماد بود .

(2) – نسبت حساسیت موضوع از دادن مثال خود داری گردید .

(3) – قراریکه داوود خان بعد از کودتای سرطان برای اشتراک کننده گان دو رتبه افتخاری اعطا نمود . لهذا در کودتای ثور نیز یک عده بخاطر مقام و رتبه همنوایی نشان دادند .

(4) – ضبط و ربط کور کورانه را در اردو با مثال عینی ذکر نمودم .